

برهمن لاهوری و منشآت او

پرفسور دکتر شریف حسین قاسمی

رئیس پیشین گروه فارسی دانشگاه دهلی، هند

چکیده:

منشآت برهمن مأخذی اساسی برای افهام و تفهیم تاریخ سیاسی، ادبی و اجتماعی هند در دوره سلطنت شاهجهان تیموری (حک: ۱۰۳۷/ق ۱۶۲۸-۱۰۶۸/ق ۱۶۵۸ م) است. برهمن در این اثر خود عرضداشته‌ها به شاهجهان، اورنگزیب و نامه‌های خود به دولتمردان و اهل فضل و دانش معاصر و دوستان و اهل خانواده را گرد آورده است. چندر بهان متخلص به برهمن، فرزند دهرم داس، از جمله شعرا و نویسندگان معروف فارسی است که کتابها و مقالاتی چند درباره احوال و آثار او نوشته شده است. غالب به یقین برهمن اولین شاعر هندو است که دیوان شعر فارسی او به جای مانده و چاپ هم شده است. به علاوه بعضی آثار دیگرش هم چاپ سنگی خورده و مورد استفاده دانشمندان و محققین فارسی و مورخین دوره میانه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: برهمن لاهوری، منشآت، ادب فارسی در شبه قاره.

بہ قول خود برہمن،^(۱) ”مولد و منشاء این نیازمند شہر دارالسلطنت لاہور است (۲)“۔ سال تولد او را ۹۸۲ق/۱۵۷۴م نوشته اند (۳) کہ بہ نظر اینجانب قطعی نیست ولی او در اواخر دورہ سلطنت شاہنشاہ اکبر تیموری (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق/۱۵۵۶-۱۶۰۵م) بہ دنیا آمد۔ در زادگاہ خود بزرگ شد۔ (برہمن، چہار چمن، ۱۱۱) و در ناحیہ نیولا سکونت داشت۔ اغلب گمان این است کہ این همان ناحیہ در لاہور است کہ حالا موسوم بہ نولکاست و قسمتی از شہر قدیمی بودہ است (۴)۔ پدرش دہرم داس شخصی صاحب ذوق بود (۵) و برہمن پسری پدر پرست کہ می گفت: کسی را کہ پدر بر سر است، تاج سعادت بر سر او ست۔ پدر برہمن کہ از اہل کشمیر بود، در دیوان خالصہ خدماتی را انجام می داد (۶)۔

برہمن در جایی اشارہ نکرده کہ او سانسکریت و یا زبان دیگر ہند را یاد گرفته بود، ولی چنین بہ نظر می رسد کہ او، چنانکہ در خانوادہ های برہمن موسوم بودہ است، سانسکریت و علوم ہندوی را حتماً فراگرفته و در نتیجہ آثاری را از سانسکریت و یا زبان ہندوی بہ فارسی ترجمہ کردہ بود (۷)۔ برہمن تنها یک نفر استاد خود ملا عبدالکریم را اسم می برد کہ از محضرش استفادہ ”علوم ضروری“ نمودہ بود (۸)۔ بعد از اینکہ بہ سن شعور رسید و وارد زندگی عملی شد، خوشبختانہ با دولتمردان زیر تماس پیدا کرد کہ ہمہ اینها صاحبان علم و فضل بودند و از برہمن ہیچگونہ سرپرستی و راهنمایی در زمینہ زبان و ادب فارسی را دریغ نداشتند۔ برہمن ہم از اینها تقدیر کردہ و معترف توّجّہ فوق العادہ زیاد اینها بہ خود می باشد:

۱۔ افضل خان، ملا شکر اللہ شیرازی حاکم لاہور۔

برہمن در جایی نوشتہ است کہ بندہ در اصل افضل خانی است (برہمن، منشآت، ۲۸)۔ جایی دیگر دربارہ وابستگی و علاقہ نزدیکی خود با افضل خان اطلاع می دہد: بی سابقہ معرفت، بہ محض نسبت معنوی، آن قدر لطف و شفقت و عاطفت و رأفت و مہربانی و قدردانی از آن عزیز تجرید العصر والدوران مشاہدہ نمود کہ ہم پیشینیان را بہ یاد آورد و ہم فراموش

ساخت (همو، همان، همانجا).

و در جایی دیگر می نویسد که افضل خان: در همان وقت قلمی از قلمدان را برآورده فرمودند که به این قلم بنویس و بعد از این به این اسلوب بتراش. (برهن، چهار چمن ۷-۱۰۶) به علاوه، افضل خان، برهن را به خدمت شاهجهان معرفی کرد. و تئیکه پادشاه از بناهای افضل خان در لاهور دیدن کرد (همو، همان، ۲۰-۱۰۷).

۲- میر عبدالکریم میر عمارات که تاج محل به نظارت او سر به آسمان کشید.

۳- جعفر خان.

۴- اسلام خان (م: ۱۰۵۷/ق ۱۶۴۷م) که به قول برهن جامع کمالات ظاهر و باطن، به مقتضای قابلیت ذاتی و استعداد جبلی و طبع رسا و دل دانا و رأی متین سالها مسندآرای دولت و اقبال گردید و صاحب سیف و قلم بود.

۵- آصف خان.

۶- علامی سعد الله خان.

۷- عنایت خان.

۸- معظّم خان.

۹- سید جلال بخاری.

۱۰- محمد جان قدسی مشهدی^(۹).

حضور اینگونه صاحبان علم و دانش باعث شد که برهن به این نتیجه برسد که: ”در دوره شاهجهان رونق و رواج متاع گرانبهای فضل و گرمی بازار اهل هنر و استعداد بود.“ (برهن، منشات، ۵۵)

برهن اول به عنوان ”منشی“ به ملا شکر الله خان شیرازی ملقب به افضل خان که در دوره سلطنت شاهجهان به سمت دیوان کل عروج کرد، خدماتی را انجام داد. برهن را برای مهارتش در فن خوشنویسی هم ستایش کرده اند. او نستعلیق را از محضر آقا عبدالرشید و شکسته نستعلیق را از کفایت خان فرا گرفت. (کنبوه، ۵۵) سپس به راهنمایی و سرپرستی همین

افضل خان در این فن مهارت بسزایی را کسب کرد. (برہمن، چہار چمن ۳۰۰، راقم دہلوی، ۵۵) خوشنویسی در نظر برہمن اہمیت خاصی داشت. او در این ضمن بہ فرزند خود نوشت: ”اگرچہ اصل مطلب قابلیت ظاہر ربط و متانت کلام در رعایت عبارت است، اما حسن خط اعتبار دیگر دارد کہ بہ وسیلہ آن، جا در مجلس بزرگان توان یافت.“ (برہمن، منشآت، ۱۰۰) علاوہ بر خوشنویسی، برہمن در سیاق نویسی (۱۰) ہم مهارت را بہم رساندہ بود و دربارہٗ سیاق نویسی و خوشنویسی می گفت: ”سیاقدان کم بہم می رسد و سیاقدان منشی کمتر می باشند. اگر در شخصی این ہر دو ہنر جمع شود، نادر است و نور علی نور“ (برہمن، منشآت، ۱۰۰)

برہمن سہ برادر داشت: یکی از آنها اودی بہان در دستگاہِ عاقل خان (۱۱) متصدی بود؛ و دو دیگر رای بہان و اندر بہان از علایق دنیاکنارہ گیری کردہ و بہ فقر و فنا بسر می بردند. بہ ہر حال ہمہٗ اینہا صاحبان ذوق بودند. برہمن ذوق و علاقہ مندی آنها با ادبیات و عرفان را با ارسال غزلہای شورانگیز خود بہ آنها ہمہ می کرد. بہ علاوہ تیج بہان تنها پسر برہمن است کہ نامہ هایی بہ او شامل منشآت است. برہمن خانہ ای مجلل در آگرہ داشت و باغی ہم در این شہر بہ نام او شہرت داشتہ است. (۱۲) افزون بر این ذکر ساختمانہای دیگر برہمن ہم در آگرہ در مآخذی آمدہ است. (۱۳)

علاوہ بر لاهور و اکبر آباد، برہمن دوران ماموریت رسمی خود از کشمیر، دولت آباد، قلعہٗ آنجا، برہانپور و قلعہٗ آنجا، مالوہ، بلخ و غیرہ ہم دیدن کردہ بود. (سیل چند، ۹۳) این شاعر و نویسندہٗ چیرہ دست فارسی کہ خود را ”بلبل گویا“ می خواند (ہمان، ۱۸)، اعتبار زیادی در جامعہٗ ادبی دورہٗ خود و بعدی داشتہ است و آثار او در ایران و توران شہرت یافته و بہ اطراف و اکناف ہندوستان در ہر ملک و ہر ناحیہ رسیدہ بود. (ہمان، ۱۱۴) بنا بر این تعداد زیادی از محضر او استفادہ کردند.

برہمن با شاگردان خود روابط خوبی داشتہ و پیشرفت ظاہری و معنوی آنها را ہمیشہ مورد توجہ قرار می داد. این شاگردان او در سازمانہا و سمتہای مختلف دولتی مشغول کار

بودند. برهمن به اینها هم نامه می نوشت و اگر کسی پاسخ نامه هایش را نمی داد، خوشش نمی آمد. او از شاگردان خود می خواست که حداقل دو نامه سالیانه حتماً به او بنویسند. (برهمن، منشآت، ۱۰۶) زیرا که باورش بر این بود که: "فقیر از خاطر رفتنی و فراموش شدنی نیست." (همو، همان، ۲۸)

منشآت برهمن شامل نامه هایی هم است که برهمن به مقامات دولتی نوشته و برای استخدام شاگردان و دوستان خود توصیه نموده است. این نامه ها ترجمان علاقه مندی برهمن با آینده بهتر و ابستگان و آشنایان خود است. بعضی تذکره نگاران شعرهای برهمن به زبان اردو را هم نقل کرده اند^(۱۴) که باید از نمونه های قدیمی شعر اردو زبان تلقی شوند، و بنابراین سهم او در پیشرفت شعر اردو زبان را نمی توان نادیده گرفت.

گزارشی را درباره اینک که برهمن روزگار جوانی خود را چطور سپری کرد و نشانگر اخلاق و تمایلات اوست، باید از خود برهمن شنید که به زبان ساده و فصیح و عاری از هرگونه تکلفات و آرایشهای ادبی نوشته است: "ایام جوانی که این رهنورد بادیه غفلت را هوای آزادی در سرافتاده، کار به جایی رسید و معامله به جایی کشید که شبهای دراز را به بیداری و هوشیاری و فکرهای عمیق و تصورات بلند به روز می آورد، و روزها را به اندیشه های دور دراز به شام می رساند. گاهی سر زده از شهر به صحرا می رفت و گاهی سراسیمه از صحرا به شهر می آمد. نه در شهر آرامم و نه در صحرا قرارم بود. اگر بوی گل به مشام می رسید، پیام جنون می داد و گر نوای بلبل به گوش می شنید، ناخن ندامت بر دل می زد، و در هر جا که نشانی و اثری از مزویان و گوشه نشینان و درویشان صاحب سلوک می یافت، قدم از سر نشناخته خود را به آن مکان رسانیده از دورنگاهی می کرد. اگر گنجایش می یافت، خود را به حاشیه بساط می رسانید، و الاً به نگاهی قانع بوده وقت را به سر می برد." (۱۵)

او سپس جمله ای نوشته که اعتقاد راسخ برهمن به مذهب خود را ایضاح می نماید و هم شاهد آزادی اظهار در دوره زندگی مصنف است: "با وجود تباین اوضاع اهل روزگار، پاس سر رشته زار و گفتار و کردار خود داشته، خود را از هر جا برکنار می داشت." (برهمن، منشآت، ۹۸)

باز ہم باید این نظر محمد صالح کنبوہ مورخ معاصر برہمن را در نظر داشت کہ ”ہر چند بہ صورت ہندو است، اما در معنی دم از اسلام می زد. طبعش گداز و چشمہایش ہموارہ نمناک است.“ (کنبوہ، ۳/۳۳۶)

برہمن شخصی بود، صلح دوست و می خواست کہ پسرش ہم باید روش صلح کل را مدنظر خود داشته باشد. بنا بر این بہ او توصیه نمود: ”از غایت خلق و آیین نشست و برخاست و سلوک پسندیدہ و طرز گزیدہ پاس شرایط صحبت بزرگان و آداب تواضع و تحمل و برد باری و تفکر و غور در کارها و تقدیم مراسم محبت با دوستان و ہمیشہ صلح با دشمنان و نیکی در برابر بدی و با خوبان خوب و با بدان خوشتر بودن...“ (برہمن، منشآت، ۹۹) و بہ قول برہمن برای نایل آمدن بہ این هدف باید: ”مطالعہ اخلاق ناصری، اخلاق جلالی، گلستان و بوستان را سرمایہ وقت خود ساختہ یک لحظہ از حصول سعادت علم با عمل غافل نباشد.“ (ہمان، ۱۰۰)

بعد از رحلت افضل خان (ہمو، چہار چمن، ۱۳۳)، عاقل خان، برادر زادہ و پسر خواندہ افضل خان، ہمہ وابستگان او را در حضور شاہجہان آورد و برہمن را ہم بہ شاہ معرفی کرد. برہمن از این فرصت استفادہ نمودہ، رباعی زیر را بہ خط شکستہ زیبا کتابت کرد و بہ خدمت پادشاہ تقدیم نمود:

شاہا کہ مطیع او دو عالم گردد

ہر جا کہ سری است، پیش او خم گردد

از بس کہ بہ دورش آدمی یافت شرف

خواہد کہ فرشتہ نیز آدم گردد (۱۶)

شاہجہان کہ برہمن را ”ہندوی فارسی دان“ (ہمو، همان، ۱۱۰) می خواند، از این رباعی و دستخط برہمن خوشحال شد و او را یکی از وقایع نگاران حضور منصوب کرد و مسؤلیت نوشتن گزارشہای روزانہ شاہی بہ دوش او افتاد. (ہمو، همان، ۱۰۹-۱۱۰) بنا بر این برہمن گزارشہای سفر شاہی بہ کابل و کشمیر را بہ نگارش آورد. برہمن سالہا در دیوان اعلی سرگرم خدمت بود و علاوہ بر خدمت دارالانشاء، خدمت تقسیم و موازنہ کل ممالک محروسہ

که تعلق به اهل حساب دارد، نیز به او متعلق گشت. (همو، همان، ۱۱۱)

چنانکه مرسوم بود، شعرای دربار به مناسبت جشنهای مختلف شعرها می ساختند و در حضور شاهی می خواندند. این افتخاری بود بزرگ، برهن هم اجازه داده شده بود که شعرهای خود را در این روزها در دربار بخواند. برهن بیشتر رباعیاتی را می خواند و مورد تحسین شاهی قرار می گرفت و جوایزی را هم دریافت می کرد. (همو، همان، ۱۱۰) او در دارالانشا انجام وظیفه می داد و سپس منشی سعد الله خان شد و در نوشتن فرمانها به او کمک می کرد. بعلاوه چون سعد الله خان به بلخ فرستاده شد، برهن برای عریضه نگاری و سوانح نویسی همراه او بود. (همو، همان، ۴۴، ۱۱۰)

دارا شکوه (۱۰۴۳-۱۰۶۹ق) فرزند ارشد شاهجهان که قرار بود جانشین پدر شود، گروهی از علمای هندو و سانسکریت را برای افهام و تفهیم آثار حکمی و عرفانی هندو و هم برای ترجمه آنها به فارسی همواره با خود داشت. او برهن را نزد خود خواند. برهن به این شاهزاده به عنوان "منشی" و "دیوان بیوتات" تا ۱۰۶۶ق/۱۶۵۴م خدمت کرد. (کنبوه، ۱۶۸/۳) اما در همین سال شاهجهان او را دو مرتبه به دربار خود فرا خواند و خطاب "رای" به او عطا کرد و به خدمت مسوده نویسی فرامین جهان مطاع عالم مطیع تفویض نمود. (۱۷)

شاهجهان در حقیقت خیلی دوستدار برهن بوده است. او چون شنید که پدر برهن در گذشته است، به قول برهن: "از روی ذره پروری و بنده نوازی این ذره بی مقدار و مورضعیف را در بارگاه سلیمان جاه به عنایت خلعت خاص سرافراز کونین گردانیدند و به يك حرف عنایت آمیز خاطر حزين و غمگين را تسکين بخشیدند. (۱۸)

اینجا باید افزود که شاهجهان باری برهن را در سال ۱۶۵۴م به عنوان "سفیر" خود به اودی پور، میوار (۱۹) فرستاد تا مذاکرات سیاسی با حاکم آنجا راج سنگه به عمل آورد و او را وادار نماید که اطاعت کامل شاهجهان را قبول کند. برهن این مأموریت خود را با موفقیت انجام داد. (همو، منشآت، ۱۰-۹) این مأموریت اهمیت زیادی دارد و اعتماد شاهجهان در سیاستمداری و مقام بالای برهن در جامعه را نشان می دهد. برهن عرضداشتی به اورنگزیب عالمگیر که جانشین

پدر شد، نوشته و به او تبریک گفته و بنا بر ضعف پیری از رسیدن به خدمتش معذرت کرده است. (همو، همان، ۱۳).

اغلب این است که برہمن دوران اختلافات مابین پسران شاهیجهان بر سر تخت و تاج در بنارس منزوی شد و همانجا در گذشت. تاریخ قطعی وفاتش معلوم نیست ولی قرآینی وجود دارد که او تا سال ۱۰۷۳ ق/ ۱۶۶۲ م یا ۱۰۷۵ ق/ ۱۶۷۵ م زنده بوده است. (۲۰)

آثار برہمن:

برہمن در مقدمه مختصر منشآت درباره آثار خود نوشته است که: ”به مرور ایام دیوان غزل و مثنوی با نسخه چند گلدسته، چهار چمن، تحفة الوزرا، کارنامه، تحفة الفصحاح، مجمع الفقرا و غیر آن ترتیب داد.“ (همو، همان، ۱)

”و غیر آن“، در آخر این جمله برہمن، اشاره می کند که علاوه بر آثاری که اسم آنها در اینجا برده شده، او آثار دیگری را هم به جای گذاشته بود. به هر حال فهرست کامل آثارش که اسم بعضی از آنها در منابع مختلف آمده است، به قرار زیر است:

- ۱- تحفة الوزرا.
- ۲- دیوان فارسی که آقای فاروقی آن را به چاپ رسانده است، دارای ۳۴۲ غزل، ۳۶ رباعی، قصاید و مثنویهای مختصر و مفردات است. در یکی از نسخه های خطی مورخ ۱۰۹۳ هجری و گلزار بہار (کلیات کلام نظم فارسی و اردو) مثنوی هفت بحر شامل است. یکی از مثنویهایش به نام مثنوی رای چندربہان که شامل چاپ آقای فاروقی است، در مجموعه رسایل هم چاپ شده است. (مشار، ۴/ ۴۵۶۷) شعر فارسی برہمن ساده و با تشبیهات و استعارات زیبا همراه است و نظرهای تذکره نویسان درباره شعر برہمن، با وجود اینکه ضد و نقیض یکدیگر اند، ولی در شناسایی و معرفی سبک و محتوای شعر برہمن کمک می کنند. مؤلفین مخزن الغرایب، مرآة الخیال و کلمات الشعرا معتقدند که از آثار برہمن استنباط می شود که او با سواد نبوده است. ولی ملا منیر لاهوری، برہمن را سحبان و حسّان و ملک الشعرا دورۀ خود می خواند (۲۱) و پاس خاطر دوستی با برہمن را رعایت می کند.

- نظر به خصوصیات ویژه ای، صایب تبریزی و ملا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی^(۲۲) که از جمله استادان فن شعر هستند، شعرهایی از برهمن را در بیاضهای خود انتخاب کرده اند. خلاصه اینکه بیشتر غزلیات وی اندیشه های نازک و لحنی عرفانی دارند و ماحصل تجربیات او در زندگی بویژه ترك علایق دنیوی و تمایل به عرفان است.
- ۳- چهار چمن^(۲۳): این اثر تاریخی و ادبی برهمن دارای ارزش زیادی است. چنانکه از اسمش پیداست، برهمن این اثر خود را در چهار بخش (چمن) تقسیم و بزودی بعد از ۱۰۵۷ق/۱۶۴۷م به نام شاهجهان پادشاه تیموری تألیف کرده است. چمن اول و دوم بیشتر مشتمل بر مطالب تاریخی و جغرافیایی است. او در این بخشها گزارشهایی درباره وقایع نگاری خود در خدمت شاهجهان، کارهای برجسته دولتمردان دربار شاهجهان، جشنهای رسمی دوره خود، کارهای روزانه پادشاه، شاهجهان آباد پای تخت جدید شاهجهان، شهرهای دیگر و هفده استان هند که شامل قلمرو این پادشاه تیموری بوده، داده است. در چمن سوم شرح حال مختصر نگارنده، نامه هایی به شاهجهان و بعضی وزرای او آمده است. چمن چهارم شامل مطالبی است که اندیشه های مؤلف درباره دین، اخلاق و عرفان را در بردارد.
- ۴- گلدسته یا گلدسته چهارچمن برهمن: این اثر برهمن را گزیده ای از چهار چمن معرفی کرده اند. برهمن در چهارچمن در بعضی نامه های خود نوشته است که او گلدسته ای از آثار خود را می خواهد به دوستان ارسال نماید.^(۲۴) پس گلدسته گزیده ای از آثارش است.
- ۵- تحفة الوداد: اثر عرفانی است.^(۲۵)
- ۶- نازک خیالات: ترجمه فارسی آتما بلاس منسوب به شنکر آچاریا است که از لاهور چاپ شده است. (استوری، ۵۷۱)
- ۷- کارنامه: نگارنامه، گلدسته عشق احتمالاً همین کارنامه است. (منزوی، ۱۳۵/۵)
- ۸- مجمع الفقرا / مجموعه الفقرا
- ۹- رقعات: گزیده ای دیگر از نامه های برهمن است.^(۲۶) احتمال دارد که بعضی از رقعات در

این گزیده شامل چهار چمن و منشآت برہمن ہم باشد.

۱۰۔ طغرای شاہجہان پادشاہ.

۱۱۔ انشای ہفت گلشن.

۱۲۔ مکالمات داراشکوہ و بابا لال داس بہ نامہای نادرالنکات یا مخزن نکات ہم شناختہ می شود. این ترجمہ فارسی گفتگوی شاہزادہ داراشکوہ با یک نفر عارف ہندو بابا لال داس است. داراشکوہ با این عارف ہندو تا نہ روز دربارہ فقر و عرفان گفتگو داشتہ و رای جادو داس آن را بہ روش سؤال و جواب بہ زبان ہندوی گرد آورده بود. (۲۷)

۱۳۔ تحفۃ الفصحاح یا گلدستہ بہار فصاحت یا بہار فصاحت: شرح حال کوتاہ صد و چہل تن از شاعران فارسی از دورہ اکبر پادشاہ تیموری تا حیات نویسنده دارد. (۲۸)

۱۴۔ تواریخ راجا ہای دہلی: گزارش مختصر راجا ہای ہند از آغاز تا دورہ سلطنت شاہجہان است. (۲۹)

۱۵۔ تحفۃ الانوار: مجموعہ اقوال اخلاقی در چہل و یک باب. (ریو، ۳/۱۰۱۴ الف)

۱۶۔ منشآت (۳۰): تعداد زیاد نسخہ ہای خطی منشآت برہمن کہ در کتابخانہ ہای ہند و خارج از ہند نگہداری می شود، نشانگر این حقیقت است کہ این اثرش مورد نیاز و پسند خاطر صاحبان ذوق قرار گرفتہ بود. بیشتر این نسخہ ہا از لحاظ مطالب یعنی تعداد نامہ ہا و عبارات و ایباتی کہ برہمن در لایہ لای نثر گنجانیدہ، با یکدیگر متفاوت اند. اغلب این است کہ خود برہمن تا آخر زندگانی در مطالب منشآت خود ہموارہ ترمیم و تنسیخ کردہ کہ باعث تفاوت در عبارات و کم و زیاد جملہ ہا وغیرہ شدہ است. بیجا نیست اگر یادآور شویم کہ یکی از علل این ترمیم و تنسیخ در مطالب، دگرگونی و فشار اوضاع سیاسی بعد از سقوط شاہجہان و بہ قدرت رسیدن اورنگزیب است.

این تفاوت در بعضی موارد تا حدی زیاد است کہ خوانندہ و ادار می شود بہ این نتیجہ برسد کہ چند نسخہ خطی منشآت پیشنویس آن است و برہمن بعد از حک و اضافہ مطالب آن را صورت نہایی دادہ بود. بطور مثال عنایت فرماید بہ این دو عبارت از یک نامہ کہ در دو نسخہ

خطی منشآت آمده است:

”اگرچه از منشیانِ صاحب خط و انشای دارالانشاء، مدار المهامی، امام قلی بیگ که خدمت خانسامانی سرکار جمده الملکی به او تعلق دارد، قابلیت و استعداد دیگر دارد. از مردم مستعد خوش سلوک و خوش زیست و خوشنویس و خوشگو است و با بزرگان روزگار صحبت داشته، در آغاز حال به رفاقت نادرالعصر والزمان حاجی محمد جان قدسی مشهدی از ولایت ایران آمده مدتی در صحبت امارت منزلت ظفرخان صاحب صوبه کشمیر گذرانیده از آنجا که به خدمت جمده الملکی مدار المهامی رسیده مشغول مراتب عزت و اعتبار گردید و در هنگامیکه تازه از ولایت آمده داخل دار السلطنه لاهور شده در کاروانسرای نزول نموده این نیازمند به آن مکان رسیده مشارالیه را با ملا محمد جان قدسی مشهدی هم حجره یافته ساعتی صحبت شعر و سخن داشت، دیگر سعید ایرانی جوان قابل و خوشنویس آرمیده است و از عمده های ولایت ایران است.“

این عبارت از نسخه خطی منشآت مضبوط در کتابخانه انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی مولانا ابوالکلام آزاد راجستان، تونگ (شماره ۲۹۰۵/۱۰۱) گرفته شده است. برهمین همین مطلب را در نسخه ای دیگر^(۳۱) چنین شکل نهایی داده است:

”در این ایام خجسته فرجام زبده فصحای روزگار مولانا محمد جان قدسی مشهدی به رفاقت فصاحت منزلت امام قلی بیگ منشی از ولایت ایران تشریف آورده داخل دار السلطنه لاهور شدند. در کاروانسرای فرود آمدند. این خوشه چین خرمن ارباب سخن به خدمت ایشان رسیده سعادت صحبت دریافت.“

مثال دیگر ترمیم و تنسیخ در نامه ای به تیج بهان که شامل هر دو چهارچمن و منشآت است، دیده می شود. در این نامه که در چهارچمن شامل است، او چنین می نویسد:

”معلوم فرزند سخن دوست باد که اگر علم فارسی دستگاه بسیار دارد و

احاطہ جمع آن از حد بشری متجاوز است، لیکن اولاً بہ جهت افتتاح سخن بہ طریق یمن مطالعہ کتاب گلستان، بوستان و رقعات حضرت ملا جامی از جملہ ضروریات است، و چون بہ قدری شعور بہ ہم رسد، خواندن کتب اخلاق مثل اخلاق ناصری و اخلاق جلالی و مطالعہ تواریخ سلف مثل حبیب السیر، روضۃ الصفا، روضۃ السلاطین، تاریخ گزیدہ، تاریخ طبری، ظفرنامہ و امثال آن ضرورتر است کہ ہم مناسبت سخن بہم می رسد و ہم اطلاع بر احوال جهان و جہانیان حاصل می گردد و در مجالس و محافل بسیار بہ کار می آید.“ (برہمن، چہارچمن، ۱۳۳)

ولی این مطلب در ہمین نامہ شامل منشآت چنین بہ اختصار آمدہ است:

”مطالعه اخلاق ناصری، اخلاق جلالی، گلستان و بوستان را سرمایہ وقت خود ساخته، يك لحظه از حصول سعادت علم با عمل غافل نباشد.“

چہارچمن و منشآت برہمن از لحاظ مطالب و مشمولات خود، از جملہ آثار تاریخی و ادبی برہمن است. بعضی مطالب در این دو اثرش مشترک اند. بعضی نامہ های برہمن در ہر دو اثر نامبرده جای گرفته اند. دربارہ احوال زندگی و فعالیتها و تمایلات فکری و اجتماعی برہمن، این دو اثرش دارای اہمیت خاصی است و تنها مآخذ معتبر در این زمینہ می باشد. باید ذکر شود کہ دیوان برہمن، چہارچمن و منشآت وی از جملہ معروفترین آثارش هستند و بارزترین مزیت چندر بہان انشانگاری است.

چنانکہ قبلاً اشارہ بہ آن شد، منشآت برہمن مورد پسند اہل این فن قرار گرفتہ بود. یکی از معاصران جوان برہمن بہ نام بال کرشن منشی برہمن حصارى در دورہ سلطنت اورنگزیب می زیست. برہمن زندہ بود، اما منشی بال کرشن از سعادت دیدار برہمن محروم ماند. بہ ہر حال این ہر دو بہ یکدیگر نامہ می نوشتند و برہمن غزلہای خود را بہ بال کرشن می فرستاد. بال کرشن کتابی دارد موسوم بہ چہار بہار کہ در پیروی از چہارچمن برہمن نوشتہ شدہ است. او در این اثر خود دربارہ چندر بہان برہمن و مہارت او در انشا یا نامہ نگاری اظہار قدردانی کردہ است و ضمناً

درباره اهمیت انشا نگاری و اصول و ضوابط آن می نویسد:

”فن انشا و صنعت املا کاری است مشکل و امری است دشوار، هر بوالفضولی و بو الهوسی را نسزد که به مجرد تحصیل جزوی چند و خطّی پریشان و پراکنده قلمدانی صدف کاری در پیش نهاده و اسباب و آلات آن را از دوات نقره و قلم واسطی و کاغذهای رنگارنگ و مقطع و مقراض و قلم تراش مهیا داشته خود را از زمره منشیان و دبیران شمارد و خود را بدان گروه منسوب سازد و جمعی از نابالغان و ناقص فهمان را به لاف و گزاف به فروغ از راه برد، بلکه دبیری روشن ضمیری، شیرین قلمی، جادو رقمی، هوشمندی، خود پسندی، فرخنده خویی، بذله گویی که به عنایت الهی و فیض نامتناهی مشمول گشته متانت عقل و رزانت رای هر ساعتی عروس مطلبی دیگر و هر لحظه شاهد مضمونی غیر مکرر را لباسی تازه و پیرایه نو از عبارات رنگین و استعارات موزون پوشانیده و به جواهر آبدار الفاظ عجیبه و متاللی نکات غریبه مزین و مجلی گردانیده در نظر عاشقان و شوریدگان که عبارت از خداوندان فهم و فطرت و صاحبان دانش و بینش اند، جلوه گر سازد و آن نگار زیبا و دلبر رعنا به اقسام غنچ و دلال و ناز و کرشمه دلهای ارباب اشتیاق را از جا برد و نظار گیان و تماشاییان را به نیم نگاهی و به اندک جلوه مبتلا سازد و خط مسلسلش خط چهره سبز خطان را رقم نسخ کشد و تکلم و تقریرش در عشرت سرای دلها خانه و کاشانه به هم رساند. از اینجا است که گفته اند:

هزار کوبه دلبری بدان نرسد

که در دلی به هنر خویش را بگنجانی

و آثار انوار سوز بر ناصیه احوالش لایح و لامع باشد و از حوادث روزگار و تقلّب لیل و نهار بر آینه دلش غبار کدورتی و وحشتی ننشیند و اوقات عمر عزیز را که مفقود العوض و معدوم البدل است، به آزادی و بی تعلقی در عین تقید و تعلّق به سر برد و هر لحظه به تفرّج گاهی با جمعی از

معاشران حاضر شدہ ہنگامہ عیش و سرور و نشاط و حضور گرم سازد، چنین عزیزی کہ شمعہ ای از اوصاف و اخلاق او رقم تبیان یافت.

امروز از سحر طرازان عرصہ ہندوستان و خوش سخنان این خود زمان دبیر عطارد نشان رای چندر بہان است کہ ذات خجستہ صفاتش بہ فضایل و کمالات آراستہ و پیراستہ و نام و آوازہ حسن شمایل او بسیط زمین را فرو گرفتہ و با آنکہ او را در خدمت و ملازمت خواقین و سلاطین نسبت خلوت و محرمت واقع است، اصلاً ہمای ہمتش بہ جاہ و دولت دنیا مقید نیست و با فقرا و غربا و صلحای ہر طایفہ سری خوش دارد و با ہر یکی از خویش و بیگانہ و اکابر و اصغر طریقہ لطف و شفقت و مدارا بہ تقدیم می رساند و حسن عبارات و لطف اشعارش بہ مرتبہ ای است کہ ادب و طرز آن در رسایل و صحایف دیگر کم می توان یافت و تکلم و تقریرش یاد از فضلالی عراق می دہد بلکہ زبان آوران آن سر زمین در مکالمہ و محادثہ او حیران می باشند:

ساقیان لہجہ او چون شراب اندر دہند

ہوش گوید گوش را ہان ساغری کن ساغری

و از اشعار طبع گوہر بار آن بحر زخار کہ در دیوانی جمع کردہ اند و بہ رسم تبرک بدین عقیدت منش نیز فرستادہ...“ (۳۲)

منشآت برہمن مشتمل بر پنج قسم (فصل) بدین قرار است:

قسم اول: مشتمل بر نقل عرضداشتہایی کہ بہ درگاہ آسمان جاہ ارسال داشتہ است.

قسم ثانی: مشتمل بر نقل عرایض نیاز بہ خدمت عمدہ و زبدہ امیران روزگار دولت ابد پیوند.

قسم ثالث: مشتمل بر نقل مراسلات کہ بہ خدمت فضلالی بلاغت شعار و فصحای روزگار مرقوم خامہ نیاز شمامہ شدہ است.

قسم چہارم: متضمن بر نقل خطوط و مکاتبات کہ در مقدمات سفارش اعزہ مرقوم کلک نیاز رقم گشتہ است.

قسم پنجم: مملو از مضامین عرایض و رقایم کہ بہ خدمت قبلہ حقیقی پدر بزرگوار و فرزندان عقیدت نشان و دوستان و شاگردان مرقوم قلم گردانیدہ است.

این نامه‌ها از لحاظ تاریخی حایز اهمیت زیاد نیستند، اما در تاریخ انشاپردازی باید جایگاه خاصی داشته باشند. برهمن در ترسل و انشانگاری مهارت بسزایی داشته است. نامه طرازی و مدعا پردازی به سبک خاصی در این مکاتبات مشاهده می‌شود. نامه‌های برهمن بیشتر کوتاه هستند. القاب و آداب هم به سادگی آورده شده است. همچنین سبک نگارش او در هر دو نظم و نثر ساده و سلیس و عاری از پیچیدگی ادبی است که در انشا پردازی بیشتر معاصرانش دیده می‌شود. علاوه بر این، استفاده از استعارات و تلمیحاتی از مذهب و جامعه هندی، آثار برهمن را رنگ و آهنگ خاصی بخشیده است. (۳۳)

باید یاد آور شد که برهمن، منشآت خود را به دستور شاهجهان گرد آورده بود چنانکه می‌نویسد: ”این داعی یکرنگ شب از روز و روز از شب نشناخته به اتمام این نسخه بدیعه که به موجب حکم اشرف اقدس اعلیٰ به تسطیر و تحریر آن مامور است، ساعی و سرگرم است.“ (همو، منشآت، ۳۴)

همبستگی فرقه‌ای و هماهنگی فکری مابین طبقات مختلف جامعه را می‌توان درک کرد. برهمن در جامعه‌ای زندگی بسر برد که پیروان مذاهب مختلف با آشتی زندگی می‌کردند. به اعتقادات مذهبی و اجتماعی یکدیگر احترام می‌گذاشتند. برای پیشرفت مادی و معنوی همبستگان خود ولو اینکه آنها پیرو مذاهب و عقاید مختلف باشند، به طور صمیمی مساعی را به خرج می‌دادند. هندوها و مسلمانها در محله‌ها و نواحی مختلف باهم بسر می‌بردند و از پیروزیهای یکدیگر خوشحال و از ناخوشیهای یکدیگر متأثر می‌شدند.

برهمن اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی را که در منشآت ارائه داده بعضی از آنها به قرار زیر است:

در استانها جایی تعیین شده بود که حاکمان در آنجا آمده از فرمان شاهی استقبال می‌کردند. همچنین از مقاماتی که این فرمان شاهی را می‌آوردند، بطور خاصی پذیرایی می‌شد. در اودی پور واقع در راجستان مادرنک کلان (۳۴) و نیشکر که بد نبوده به دست می‌آمد. رانای (راجا) اودی پور در باغ خود درخت انار هم کاشته بود. انار آن سیراب بود، اما

شیرینی نداشت. اسلام خان یکی از دولتمردان ارشد دورہ شاہجہان بنا بر پیشآمدی آزرده خاطر شد. برہمن جسارت داشت به او توصیه نماید:

”الحال وقت آن است کہ ارداہ خود را در رضای الہی محو ساخته، نظر بر کرم او عمیم نموده، در آنچه رضامندی مرشد کامل، قبلہ جهان و جہانیان حاصل گردد، پیشنهاد ہمت ساخته، بہ شگفتگی طبع و گشادگی پیشانی پیشآیند و اصلاً اغراض جسمانی و نفسانی در میان و بر زبان نیاورده، خود را بہ کرم عمیم کار ساز پادشاہ بندہ نواز بسازند.“

”در ہمین ضمن او اخلاق پادشاہ را ہم ارائه می دهد کہ نشانگر روابط نزدیکی او با پادشاہ است: ”حرفی کہ از او بوی نفرت و گرفتگی طبع و رعونت مزاج و افسردگی دماغ آید، بر طبع غیور بلند مشکل پسند پادشاہ زمین و زمان گران افتد، بر زبان نیارند.“

برہمن غزلیات خود را برای اصلاح بہ خدمت افضل خان و امرای دیگر صاحب ذوق می گذرانید. برہمن پیش بینی کرده بود کہ معظم خان روزی بہ سمت سپہ سالاری و منصب ہفت ہزاری نایل خواہد آمد و همچنین شد: ”این برہمن عقیدت نشان بی اختیار بر زبان صداقت بیان آورده بود کہ مرتبہ سپہ سالاری و ہفت ہزاری آمادہ و مہیاست، اما مرد میدان می خواہد. ہزار شکر کہ حسن ظن بہ یقین عقیدت کیشان پیوست و دعای بی ریای خیر اندیشان بہ درجہ اجابت رسید.“

سید جلال بخاری صدر الصدور شاہجہان و عالم و شاعر معروف دورہ خود بود. او را بہ گجرات فرستادہ بودند. برہمن از محضر او کسب فیض کردہ بود. او در این ضمن می نویسد: ”چون در ایام حضور مورد انواع لطف و احسان آن مہربان قدر دان بود، در منزلت سخن در ہر جا کہ مشکلی بہ میان می آمد، حل آن را از خدمت فیض موهبت می نمود.“

چون سید جلال در گجرات بسر می برد، برہمن تأثیر این فراق را چنین بہ سید جلال ابلاغ می نماید: ”دوستان دربار فیض آثار خصوص مخلصان عقیدت نشان کہ خوپذیر صحبت

فیض موهبت اند، چشم بر راه ورود مقدم گرامی دارند.“

برهمن در همسایگی صدرالصدور هند موسوی خان منزل داشت و به این نسبت بر خود می بالید و افتخار می کرد. علاوه بر این قطب خان دولتمردی دیگر هم در همسایگی او بسر می برد. مرحمت خان برهمن را سوار فیل گردانیده بود، در حالیکه تنها منصبداران ارشد اجازه داشتند سوار فیل شوند.

محمد جان قدسی مشهدی، شاعر معروف دربار شاهجهان بود. او به رفاقت فصاحت منزلت امام قلی بیگ منشی از ایران به لاهور آمد و در کاروانسرای فرود آمد. برهمن خدمت او رسید و کسب فیض کرد. برهمن با قدسی مشهدی روابط دوستانه برقرار کرد و با او محشور می بوده و شعر خود را برای اصلاح بر او می خواند.

برهمن در عرضداشتی به پادشاه گزارشی مختصر درباره مجلس مولود در ”روضه منوره“ (شاید مراد او تاج محل است) که در شب هفدهم ذیقعده برگزار گردید، داده است. عمده الملک وزیرخان همراه با تعدادی از امرا و دولتمردان دیگر در این مراسم شرکت کردند، تعداد زیادی صاحبان علم، عرفا، حافظان قرآن الحکیم، مولود خوانان در این مجلس حضور داشتند. شش هزار روپیه در این مراسم به خرج رسید، کمک مالی به مستحقین فراهم شد. افزون بر این، برهمن تفصیلات دیگر مربوط به این مراسم را هم داده است که اهمیّت نظم این مراسم در آن دوره را آشکار می کند.

خلاصه این که منشآت برهمن مأخذی اساسی برای ترسیم زندگی اجتماعی و ادبی دوره سلطنت شاهجهان است که باید مورد مطالعه مفصّلتر قرار گیرد.

یادداشتها:

- ۱- Chandra Bhan Brahman: Life and Works از دکتر محمد عبدالحمید فاروقی، گجرات، ۱۹۶۷م؛ گلزار بهار معروف به بزم نظم برهمن (کلیات کلام منظوم فارسی و اردو زبان) به ترتیب دیوان رای بگونت رای ۱۳۴۴ق/۱۹۸۶م؛ مقاله ای تحت عنوان ”چندر بهان برهمن: احوال و آثارش“ از پرفسور سید امیر حسن عابدی، مجله اسلامیک کلچر، ج ۱۱، شماره ۲، آوریل ۱۹۶۶م.

- بعلاوہ مقالاتی دربارہ برہمن در دانشنامہ های مختلف زبان اردو و فارسی ہم نوشتہ شدہ است.
- ۲- چہار چمن، ص ۱۰۶: در ہمین نامہ باز می نویسند: برہمن زادہ ملک پنجاب است. چہار چمن، ص ۱۰۵.
- ۳- مؤلفین گلزار بہار، ص ۲۶، مختصر تاریخ اردو، ص ۴۰ کہ مآخذی موخر اند، این تاریخ تولد برہمن را بدون ذکر مآخذی نوشتہ اند.
- ۴- داراشکوہ (بہ زبان انگلیسی) ازک. آر. قانونگو، چاپ دوّم ۱۹۵۳م، ص ۲۴۲؛ برہمن در چہار چمن، ص ۹۴، ضمن کیفیت شہر لاهور می نویسند: و خانہ این مور ضعیف کہ مصنف این نسخہ بدیع است، در ہمین شہر واقع است.
- ۵- برہمن غزل خود را بہ پدر فرستادہ بود، منشآت، ص ۶۷؛ چہار چمن، ص ۱۱۷.
- ۶- تذکرہ شعرای پنجاب، عبدالرشید، لاهور، ۱۹۸۱م، ص ۷۴: شاید خانوادہ برہمن اصلاً کشمیری بودہ و وقتی بہ پنجاب نقل مکان کرد و در لاهور سکنا گرفت.
- ۷- گزارشی مختصر دربارہ این ترجمہ بعداً در این مقالہ آمدہ است.
- ۸- چہار چمن، ص ۱۰۶، ولی مؤلف تذکرہ شعرای پنجاب، ص ۷۵؛ نشتر عشق، ص ۶۰-۲۵۶ و مصنف گل رعنا، ص ۲۸۴ بر اساس مطالبی از اوایل چمن سوم، (چہار چمن) اطلاع دادہ اند کہ ملا عبدالحکیم سیالکوٹی (م: ۱۰۶۷/۱۶۵۶) یکی از استادان برہمن بود، برہمن در جایی اسم ملا عبدالحکیم را نبرده است. بنا بر این نظر تذکرہ نویسان نامبرده دربارہ اینکہ عبدالحکیم سیالکوٹی استاد برہمن بود، درست بہ نظر نمی آید، شاید اینہا ملا عبدالکریم را اشتباً ملا عبدالحکیم خواندہ اند.
- ۹- برہمن اسم بیشتر این دولتمردان را در مقدمہ مختصر منشآت خود آورده است. بعلاوہ در نامہ هایی بہ آنها کہ در منشآت و چہار چمن آمدہ، اخلاق و سیرت اینہا را مورد تحسین قرار دادہ و رفتار دوستانہ و الطاف آنها نسبت بہ خود را شناختہ است.
- ۱۰- سیاق نویسی: فن تحریر محاسبات بہ روش قدیم و آن شامل علایمی اختصاری بود مأخوذ از اعداد عربی.
- ۱۱- عاقل خان خلف امانت خان در سال دوازدهم جلوس شاہی بہ خدمت عرض مکرر و پس از آن بہ خطاب عاقل خان و سمت دیوان بیوتات سرفراز گردید. سال پانزدهم خدمت میر سامانی یافت و سال بیست و دوّم مطابق ۱۰۵۹ق/ ۱۶۴۹م بہ سمت بخشی گری دوّم و منصب سہ ہزاری گرفت. با نظم و سیاق بہرہ ور بود. مؤثر الامراء، ج ۲؛ در راو کابل در عین جوانی فوت کرد، چہار چمن، ص ۱۰۹.
- ۱۲- رڪ: ادبیات فارسی در میان ہندوان، سید عبداللہ (ترجمہ بہ فارسی)، تہران، ۱۳۷۱ش، ص ۷۶؛

- Oriental Biographical Dictionary ویلیام بیل، ۱۸۹۴ م، ص ۱۴. برهمن در آثار خود اشاره ای به این بناها کرده است.
- ۱۳- تفریح العمارات از سیل چند که درباره بناهای تاریخی آگره در قرن نوزدهم تألیف گردیده است، نسخه های خطی آن در ذخیره پرفسور محمود شیرانی، ادبیات فارسی در میان هندوان، ص ۷۶ و کتابخانه خدا بخش شماره ۶۴۸، هم وجود دارد.
- ۱۴- خمخانه جاوید، ج ۱، سری رام، ص ۵۷۵، رای بگونت رای هم در گلزار بهار (کلیات فارسی و اردو) چند شعر برهمن به زبان اردو را آورده است.
- ۱۵- منشآت، ص ۹۸؛ برهمن در نامه های دیگر هم اشتیاق خود برای زیارت درویشان و کسب فیض از صحبت آنها را ارائه داده است. در نامه ای به برادر خود نوشته است: باوجود انواع تفرقه روزگار ناهنجار، جمعیت خاطر را از دست نمی دهد و در هر بقعه و هر جا که نشانی از گوشه نشینان و کنج گزینان می یابد، خود را بی اختیار رسانیده لحظه وقت را خوش می دارد. منشآت، ص ۹۳.
- ۱۶- چهار چمن، ص ۱۰۹؛ ولی برهمن در اینجا می نویسد که در این هنگام او غزلی تقدیم پادشاه کرد.
- ۱۷- چهار چمن، ص ۱۱۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، استاد ذبیح الله صفا، ج ۵، بخش ۲، تهران، ص ۱۳۳۸.
- ۱۸- منشآت، ص ۹۴؛ هم رنک: چهار چمن، ص ۱۲۸.
- ۱۹- واقع در ایالت راجستان.
- ۲۰- برای توضیحاتی در این مورد رنک: Chandra Bhan Brahman: Life and Works، عبدالحمید فاروقی، ص ۷۹ و هم رنک: گل رعنا، ص ۲۸۵.
- ۲۱- رنک: دائرة المعارف اردو، ذیل برهمن؛ برهمن با منیر لاهوری روابط دوستانه داشت و به او نامه هم می نوشت. رنک: چهار چمن، ص ۱۱۶.
- ۲۲- برای بیاض صائب، رنک: Islamic Culture, April 1945, p.129 و بیاض بیدل در کتابخانه موزه بریتانیا، به شماره Add. 16,802. Add.16,803 مضبوط است.
- ۲۳- این کتاب از بمبئی در سال ۱۲۷۰ هجری چاپ سنگی خورده است. اخیراً یونس جعفری چهارچمن را از مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو به چاپ رسانده است. در این ضمن باید عرض شود که نسخه های خطی چهارچمن که در کتابخانه های مختلف نگهداری می شوند، از لحاظ مطالب یکسان نیستند. اغلب این است که کاملترین نسخه خطی این اثر برهمن در موزه ملی هند، دهلی نو مضبوط است. دکتر شرما همین نسخه را برای اخذ دکترا خود از

- دانشگاه دہلی، تصحیح نموده کہ تا کنون چاپ نشده است. بہ علاوہ سید مرتضیٰ قادری چہارچمن را بہ اردو برگردانده و از حیدرآباد در سال ۱۹۹۲م بہ چاپ رسانده است.
- ۲۴- نسخہ خطی در کتابخانہ مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگرہ، ذخیرہ سبحان، شمارہ ۲۲؛ ہم رک: چہارچمن، ص ۱۱۶، ۱۲۶.
- ۲۵- نسخہ خطی در کتابخانہ گجرات و دیا سبہ، احمدآباد. رک: *Mughals in India* از مارشل، ص ۱۲۱.
- ۲۶- نسخہ خطی در کتابخانہ گجرات و دیا سبہ، احمدآباد، رک: *Mughals in India* از مارشل، ص ۱۲۱.
- ۲۷- نسخہ خطی این مکالمات در کتابخانہ عمومی شرق شناسی خدا بخش، پتنا، شمارہ ۱۴۵۴ مضبوط است. بعلاوہ ہم رک: استوری، Fesc.3، ص ۵۷۱.
- ۲۸- رک: مجلہ اورینٹل کالج، فورہ ۱۹۲۸م، ص ۴۴، اسم این اثر برہمن در گلزار بہار بہ تصحیح رای بگونٹ رای ہم بردہ شدہ است.
- ۲۹- نسخہ خطی در کتابخانہ گجرات و دیا سبہ، احمدآباد، رک: *Mughals in India* از مارشل، ص ۱۲۱.
- ۳۰- منشآت برہمن در سال ۱۸۸۵م. از لکھنو چاپ سنگی خوردہ است ولی این چاپ باسانی دستیاب نیست و بندہ نتوانستہ از این استفادہ کند.
- ۳۱- مضبوط در کتابخانہ رضا، رامپور، شمارہ ۲۸۱۱.
- ۳۲- چہاربہار، نسخہ خطی مضبوط در موزہ ملی ہند، شمارہ ۱۵۶۱/۷۳-۵۵.
- ۳۳- برای تفصیل بیشتر دربارہ سبک پردازی برہمن و مقایسہ آن با سبک نگارش منشی ہای دیگر رک: *The Chancellory and Persian Epistolography under the Mughals* از مؤمن محی الدین، کلکتہ، ۱۹۷۱م، ص ۴-۲۳۲.
- ۳۴- بہ ہندی کاکری، ککری.

کتابشناسی:

- اردو دائرۃ المعارف اسلامیہ (۱۳۸۰ق/۱۹۶۹م) لاهور
- برہمن، چندر بہان (۱۳۸۳ش) چہارچمن، بہ تصحیح سید محمد یونس جعفری، مرکز تحقیقات زبان فارسی راینی فرہنگی سفارت جمہوری اسلامی ایران، دہلی نو
- ہمو، ہمان، نسخہ خطی در موزہ ملی ہند، دہلی نو، شمارہ ۳۳۴
- ہمو (۱۸۸۵م) مجموعہ رسائل، چاپ لکھنو

- همو، منشآت برهمن، نسخه های خطی انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی مولانا آزاد راجستان، تونک، شماره ها ۳۵۷۳، ۳۵۷۴، ۲۹۰۵
- همو، همان، نسخه خطی در کتابخانه رضا، رامپور، شماره ها ۲۸۱۱، ۲۸۱۲، ۲۸۱۳
- همو، همان، نسخه خطی در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگره، شماره ۸۵۱، ذخیره حبیب گنج.
- همو، همان، نسخه خطی در موزه ملی هند، دهلی نو، شماره ۲۱۳۵/۵۵۰۷۳.
- همو، همان، تصحیح و تحشیه پرفسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا، رامپور، ۲۰۰۵م.
- راقم دهلوی (۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م) تذکره خوشنویسان، غلام محمد هفت قلمی، چاپ محمد هدایت حسین، کلکته
- سری رام (۱۹۱۷م) خمخانه جاوید، ج ۱، دلی پرننگ ورکس، دهلی
- سید عبدالله (۱۳۷۱ش) ادبیات فارسی در میان هندوان، (ترجمه فارسی)، تهران
- سیل چند، تفریح العمارات، (ذکرش در ادبیات فارسی در میان هندوان آمده است)
- شفیق، اورنگ آباد، لجهمی نراین، گل رعنا (۱۹۶۲م) به تصحیح نثار احمد فاروقی، دهلی
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۴-۱۳۷۰ش) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۲ و ۳، تهران
- عبدالرشید (۱۹۸۱م) تذکره شعرای پنجاب، لاهور
- عظیم آبادی حسین قلی خان (۱۹۸۱م) نشتر عشق، به تصحیح اصغر جان فدا، نشریات دانش، ج ۱، دو شنبه، تاجیکستان
- کنبوه، محمد صالح (۱۹۷۲م) عمل صالح (پادشاهنامه)، ترتیب و تحشیه غلام یزدانی، ترمیم و تصحیح وحید قریشی، لاهور
- مشار، خان بابا (۱۳۵۰-۱۳۵۵ش) فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران
- منزوی، احمد (۱۳۶۲ش) فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد
- Beale, William, Oriental Biographical Dictionary, Calcutta, 1881.
- Dara Shukoh, K.R. Qanungo, 2nd edition , 1953.
- Faruqi, M. Abdul Hamid, Chandra Bhan Brahman: Life and works, Ahmedabad, 1967.
- Islamic Culture, Volume II, 2nd issue, April 1966.
- Marshal, D.N, Mughals in India, Asia Publishing House, Reprint 1967.
- Muhiuddin, Momin, The Chancellory and Persian Epistolography under the

Mughals, Iran Society, Calcutta, 1971.

- Oriental College Mazazine, February 1928.
- Rieu, Charles, Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, Volume III , London, 1879-83.
- Storey,C.A, Persian Literature - A Bio-bibliographical Survey, London, 1927-53.